

شیوه‌های گفتاری امر به معروف و نهی از منکر از منظر احادیث

سید علی نقی نقوی*

چکیده

یکی از مهم‌ترین فرایض و واجبات اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر است که حفظ دین و جامعه با تمام ابعادش بستگی به آن دارد؛ و این دو وظیفه ضامن اجرای سایر وظایف فردی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و عبادی است، اهمیت و جایگاه آن، در قرآن کریم، کلمات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و بزرگان دین با تأکید مضاعف ذکر شده است. و جوب امر به معروف و نهی از منکر، از ضروریات است و مستند و جوب، ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) هستند. این فریضه، علاوه بر شرایط عامه تکلیف، شرایط مخصوص به خود دارد که از شرایط ویژه محسوب می‌شوند و همچنین دارای مراتب است که بین آن رعایت ترتیب واجب است، یافته‌های تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته حاکی از آن است که امر به معروف و نهی از منکر، شیوه‌های متعددی دارد مانند شیوه‌های گفتاری، رفتاری، نوشتاری و هنری که در موارد مختلف، انتخاب بهترین شیوه‌ها و استفاده صحیح از آن، موجب حاکمیت و پاسداری ارزش‌های اسلامی و تأثیرگذاری بیشتر امر به معروف و نهی از منکر می‌شود شیوه‌های گفتاری شامل مستقیم و غیرمستقیم بودند و برخی از شیوه‌های غیرمستقیم عبارت بودند از: تغافل، تلقین، اعطای بینش، افشاگری، تبیین آثار، موعظه، ترغیب و ترهیب، انذار و تبشیر، وعده و وعید، تحریک عواطف.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، شیوه گفتاری، تغافل، موعظه



* دانش آموخته کارشناسی ارشد، علوم حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، alinaqi۱۵@hotmail.com

مقدمه

همان‌گونه که انسان در مقابل اعمال و رفتار خود مسئولیت دارد، در برابر عملکرد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز مسئول است. در بینش اسلامی، یک فرد مسلمان باید پا به پای اصلاح نفس خود، در اصلاح دیگران نیز کوشش کند و همواره درصدد ارشاد و راهنمایی افراد اجتماع خود باشد زیرا که سرنوشت هر فردی با سرنوشت جامعه گره‌خورده و رابطه تنگاتنگی با آن دارد و اگر جامعه‌ای به فساد و تباهی کشیده شد، همه افراد زیان خواهند دید و هیچ‌کس از عواقب مرگبار آن در امان نخواهد بود.

بنابراین، بی‌تفاوتی نسبت به اعمال دیگران در واقع بی‌اعتنایی به سرنوشت خویش است و اگر در جامعه‌ای فساد و گناه و فحشاء و منکر و انحرافات و کج‌روی‌ها شیوع پیدا کرد، آثار نامطلوب آن دامن‌گیر همه افراد می‌شود و حتی کسانی که از لحاظ فردی، سالم و بی‌گناه هستند نیز در آتش آن خواهند سوخت.

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که دین مقدس آنها را بر هر مسلمانی واجب کرده و در ردیف نماز و روزه و خمس و زکات و حج و جهاد و سایر فروع دین قرار داده است و این به خاطر اهمیتی است که اسلام به سالم‌سازی محیط و مبارزه با عوامل گناه و فساد می‌دهد و هر فرد مسلمانی را موظف می‌کند که مانند یک سرباز که در جبهه جنگ علیه دشمنان خارجی اسلام می‌جنگد، در جبهه‌ای دیگر با دشمنان سعادت جامعه در ستیز باشد. در تحقیق حاضر به بررسی شیوه‌های گفتاری امر به معروف و نهی از منکر از منظر احادیث خواهیم پرداخت در این تحقیق مراد از گفتاری مربوط به گفتار و به معنی سخن گفتن و سخن‌گویی است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۶۱۹۸)؛ و شیوه‌هایی را گفتاری می‌نامند که در آنها امر و ناهی مطالب مورد نظر را بیشتر از راه سخن منتقل می‌کنند.

۱. شیوه گفتاری مستقیم

لفظ مستقیم در لغت به معانی مختلف آمده است اما اینجا مراد از مستقیم، گفتگوی بی‌واسطه و بدون کنایه می‌باشد. (همان، ج ۷، ص ۶۹۷۵)

این روش برای موارد خاص است که شرایط لازم را داشته باشد و شرایط آن عبارت‌اند از:



مخاطب ظرفیت آن را داشته باشد، مخاطب آمر و ناهی را به خوبی بشناسد و برای ایشان اهمیت خاص قائل باشد، موضوع تمام شخصیت مخاطب را در برنگیرد؛ اگر به صورت انتقادی است حتماً شرایط آن رعایت شود.

بنابراین، در این روش مطالب در کمال صراحت و وضوح به طور مستقیم برای مخاطب مطرح شود. چنانکه حضرت رسول اکرم (ص) در برخورد آن مرد ثروتمند که خود را از فرد فقیر کنار کشید به طور مستقیم فرمود:

«ترسیدی لباس هایت کثیف و آلوده شود؟» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۸۰)

۲. شیوه‌های غیر مستقیم

گاه، امر به معروف و نهی از منکر اثر می‌بخشد که مستقیماً با مخاطب گفتگو شود، اما مواردی نیز هستند که شرایط زمانی یا مکانی یا اشخاص مورد خطاب اقتضا نمی‌کند، مخاطب (تارک معروف و فاعل منکر) به طور مستقیم امر و نهی شود و شاید اثر منفی داشته باشد، لذا در این گونه موارد باید از شیوه خطاب «غیر مستقیم» استفاده کرد مانند اینکه گفته شود: آنان که دست به این عمل ناپسند می‌زنند باید بدانند که در اشتباه و گمراهی هستند و ...

یا اینکه خطاب متوجه فرد دیگری باشد (به اصطلاح معانی بیان در فن خطابه، از راه کنایه گوئی امر به معروف و نهی از منکر کند (به در بگوید تا دیوار بشنود) و تعبیر جالبی هم در این باره دارند که «الکنایة أبلغ من التصريح (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۰-۲۷۱)» کنایه رساننده‌تر از آشکار گویی است.

بنا به فرموده امام صادق (ع)، قرآن به همین صورت نازل شده است:

«نزل القرآن بآیة أعنی و اسمعی یا جازة» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶۳۰) قرآن مانند این ضرب‌المثل عربی نازل شد که گویند، به تو می‌گوییم، ولی ای همسایه تو گوش کن.

چنانکه خداوند پیامبر (ص) را مخاطب می‌سازد که اگر پدر و مادرت به پیری رسیدند با آنان درستی و پرخاش مکن و با آنان به شایستگی سخن بگو:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء / ۲۳)»

این خطاب شبیه کنایه است و بسیار مؤثرتر از صراحت گویی و مورد خطاب قرار دادن مستقیم می‌باشد. در اکثر آیات و روایات پیامبر (ص) مخاطب است اما مقصود غیر پیامبر (ص) سایر مردمان هستند مانند: «لا تشرک بالله» و مثل «قل هو الله احد».

در دنیای کنونی روش غیر مستقیم پر قدرت‌ترین روش‌ها به شمار می‌رود. شرکت‌ها، سازمان‌ها و مراکز تبلیغی کوشش می‌کنند مردم در ابتدا متوجه هدف و پیام تبلیغی نباشند، مثلاً فیلم‌ها، الگوی لباس‌ها، رنگ‌ها، آهنگ‌ها، مقالات و دیگر محصولات فرهنگی را طوری طراحی می‌کنند که به تدریج اهداف مورد نظر را تبدیل به اعتقاد یا باور کنند.

پیامبر اکرم (ص) در بدو شکل‌گیری اسلام با استفاده از شیوه‌ها و روش‌های خاص خود به ما روش غیر مستقیم را نشان داده است. چنانکه وقتی با اصحاب در سرزمین خالی و بی علف فرود آمده بودند و به هیزم احتیاج داشتند. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«هیزم جمع کنید، عرض کردند یا رسول‌الله! این سرزمین خالی از خار و خاشاک است و هیزمی دیده نمی‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: به هر حال هر کس به اندازه‌ای که می‌تواند جمع‌آوری کند. اصحاب در صحرا جویای هیزم و هر کدام با دقت بر زمین نگاه می‌کردند و اگر شاخه کوچکی می‌دیدند بر می‌داشتند همین که همه افراد هر چه جمع کرده بود روی هم ریختند مقدار زیادی هیزم جمع شد، در این وقت رسول اکرم (ص) فرمود: گناهان کوچک هم مثل همین هیزم‌های کوچک است. ابتدا به نظر نمی‌آید ولی هر چیزی جوینده و تعقیب‌کننده‌ای دارد. همان‌طور که شما رفتید و تلاش نمودید که این قدر هیزم جمع شد، گناهان شما هم جمع و احصاء می‌شود و یک روزی می‌بینید انبوه عظیمی جمع شده است. (مطهری، ۱۳۹۹، ص ۲۰۴-۲۰۵)»

وهم چنین از قضیه حسنین علیهما السلام و پیر مردی که وضو غلط می‌گرفت استفاده می‌شود که روش غیر مستقیم در بعضی مواقع خیلی مؤثرتر از روش مستقیم قرار می‌گیرد لذا یکی از شیوه‌های اخلاقی، تربیتی امر به معروف و نهی از منکر برای اثربخشی بیشتر، این است که ما در بعضی از مواقع از روش غیر مستقیم استفاده کنیم.

در بیانات حضرت امام خمینی (ره) در مسائل سیاسی، خصوصاً مسائل داخلی و در خطاب به گروه‌ها و جناح‌های مختلف، از این شیوه، بسیار استفاده شده است، در این زمینه به «صحیفه نور» مراجعه شود.



۱-۲. تغافل

تغافل در لغت به معنای بی‌اعتنایی کردن یعنی خود را بی‌خبر و غافل نشان دادن از روی قصد و عمد می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۱۵، ص ۷۸۹)

از صفات بسیار پسندیده و والا و با ارزش که آراسته به آن در میان مردم بسیار کم است تغافل می‌باشد.

دیدن خطا و تقصیر، مشاهده عیب و نقص، در صورتی که خطا ناچیز و اندک باشد، آن را نادیده گرفتن و خود را به فراموشی زدن، به شکلی که طرف مقابل یقین کند، آمر و ناهی از مسئله به هیچ عنوان مطلع و آگاه نشد، از عالی‌ترین حالات روحی و پریمیتم‌ترین صفات انسانی است. سنگ بنای این روش، در حقیقت یکی از نیازهای معنوی و روحی انسان‌ها است:

انسان‌ها مایل نیستند که دیگران از خطا و اشتباهات آنها مطلع شوند، خواهان عزت نفس خویش می‌باشند؛ زیرا هر انسانی خواه‌نخواه در اجتماعی زندگی می‌کند و میزان پذیرش او در جامعه، به میزان قداست و ارزشی است که جامعه برایش قایل است. پس او نیازمند آن است که جامعه با نگرشی مثبت با او برخورد کند. آگاهی دیگران از خطا و اشتباهات او، این نگرش را خدشه‌دار می‌سازد. بعلاوه، تداوم چنین نگرشی این اندیشه را در ذهن شخص جای می‌دهد که دیگر هیچ جایگاه اجتماعی ندارد و حال که چنین است، پس انجام خطا و افعال ناصواب و ناپسند، به صورت علنی و آشکار هیچ‌گونه قباحتی ندارد. اینجا است که خطرناک‌ترین و آسیب‌زاترین لحظه و موقعیت در زندگی فرد فرا می‌رسد، چرا که دیگر از فرو پوشیدن خطای خویش بیمی ندارد و از برملا شدن آن ابایی ندارد.

پس باید چاره‌ای اندیشید و کاری کرد که هرگز چنین موقعیت و صحنه‌ای پیش نیاید و آن راه چاره، تغافل است.

امام زین‌العابدین (ع) در وصایای خویش می‌فرمایند:

«إعلم یا بُنّی أنّ صلاح الدنیا بحذافرها فی کلمتین: أصلح شأن المعایش ملء مکیال ثلاثه فطنة و ثلثه تغافل؛ لأنّ الانسان لا يتغافل الا عن شیء قد عرفه و فطن له (نوری، بی تا، ج ۹، ص ۳۸، ح ۱۰۱۳۹)» بدان ای فرزندم که درست شدن دنیا سراسر در دو کلمه است: درست شدن وضع زندگی پیمانه پری است که دو سوم آن توجه و هوشیاری است و یک سوم آن نادیده انگاشتن؛ زیرا انسان وانمود به بی‌خبری نمی‌کند، مگر از چیزی که آن را می‌داند و متوجه آن شده است.

امیر المومنین (ع) فرمود:

«أشرف أخلاق الكرم كثرة تغافله عما يعلم (ری شهری، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۲۶۸)» شریف‌ترین اخلاق انسان باکرامت، کثرت تغافل او از چیزی است که می‌داند.

و نیز آن حضرت (ع) فرمود:

«إنَّ العاقل نصفه احتمال و نصفه تغافل (همان)» نیمی از وجود عاقل و خردمند تحمل و صبر و بردباری و نیم دیگرش خود را به فراموشی زدن است.

قرآن می‌فرماید:

«فقد سرق أخ له من قبل فاسرّها يوسف في نفسه و لم يبدها لهم (يوسف / ۷۷)» برادران یوسف (ع) که پس از ده سال او را دیدند و نشناختند، به یوسف گفتند: ما قبلاً برادری داشتیم به نام یوسف که دزد بود. یوسف (ع) خود را به تغافل زد و هیچی نگفت که: آن برادر من هستم و چرا به من نسبت دزدی می‌دهید.

البته، تغافل در مورد خلاف‌های شخصی، جزئی و فردی است؛ وگرنه در مسائل مهم که دشمنان و کفار برای براندازی نظام اسلامی نقشه می‌کشند، تغافل بزرگ‌ترین خواست دشمن است. (نساء / ۱۰۲)

۲-۲. تلقین

تلقین به معانی مختلف آمده است: ۱- فهمانیدن و تفهیم کردن. (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۱۵، ص ۹۱۰) ۲- فرایند تغییر دادن باورها، تلقی‌ها یا عواطف کسی (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۸۷۶) ۳- گفتن و یاد دادن ذکر خاصی به طرف و واداشتن او به تکرار آن (همان) که در بحث ما می‌شود هر سه معنا را در نظر گرفت.

یکی از عواملی که توسط آن عادت، ایجاد می‌شود، تلقین است یعنی از طریق القای منافع و محاسن یک عمل، فرد تحریک، تشویق و علاقه‌مند به انجام آن عمل می‌شود. از طریق القانات می‌شود در طرف متقابل ایجاد عادت کرد چه القای امر نیک و پسندیده و در پی آن ایجاد عادت خوب یا القای یک امر ناپسند و در پی آن ایجاد عادت بد. رسول خدا (ص) فرمودند:

«لا تلقنوا الكذب فتكذبوا فان بنى يعقوب لم يعلموا انّ الذب يأكل الانسان حتى لقنهم ابوهم (قمی، ۱۴۲۲، ص ۴۷۴)» به مردم کذاب راه دروغ‌گویی را تلقین نکنید و دروغ‌سازی را به آنان





نیاموزید، بچه‌های یعقوب نمی‌دانستند که گرگ انسان را می‌خورد اما از تذکر و تلقین پدر استفاده کردند و دروغ‌سازی نمودند.

چه بسیارند افرادی که از انجام معروف هراس دارند و می‌توان آنان را با تلقین بر کار خیر واداشت. چه بسیارند کسانی که جدا شدن از بعضی منکرات را برای خود محال می‌پندارند و فکر می‌کنند که چون معتاد به خلافی شده‌اند، دیگر نمی‌توانند تغییر موضع بدهند. در صورتی که تلقین صحیح و بیان نمونه‌ها در این زمینه کارگشا خواهد بود.

۱-۲-۲. آموزش تلقین به نفس

در این روش آمر و ناهی به شخص یاد می‌دهد که در موقعیت‌های مختلف از طریق به زبان آوردن گفتاری معین یا در دل گذاردن آن، نفس خویش را برای انجام عملی یا ترک آن مهیا نماید.

پیش‌فرض این روش، تأثیر لایه‌های شخصیتی انسان (ظاهر و باطن) در یکدیگر است. از این روش در روانشناسی تغییر رفتار به (روش آموزش به خود دستور دادن) تعبیر می‌شود. سخن گفتن به خود و به عبارتی «تلقین به خود» در ایجاد یا حذف رفتارهای سازگارانه یا ناسازگارانه بسیار مؤثر است. (سیف، ۱۳۷۷، ص ۳۷۳)

در آیات و روایات توصیه‌های زیادی بر به کارگیری این روش شده است و قرآن علاوه بر اینکه ما را به ذکر خدا توصیه می‌کند، به کارگیری آهنگ و لحن مناسب آن را به گونه‌ای که بیشترین تأثیر را برای نفس داشته باشد و آهنگ و لحنی که خشیت دل را همراه داشته باشد خاطر نشان می‌سازد:

«وَأذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ (اعراف / ۲۰۵)» پیش‌خودت، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس و با صدایی آهسته، یاد کن.

یکی از یاران امام صادق (ع) به آن حضرت عرض کرد، گاهی در دلم اندیشه‌های ناصواب و افکار پریشان‌رخنه می‌کند و مرا به باطل می‌خواند، چه کنم؟ امام (ع) در پاسخ فرمود: هر گاه چنین شد، به زبان بگو «لا اله الا الله (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۴۵)»

۳-۲. اعطای بینش

بینش اسم مصدر از دیدن و به معنای قدرت ادراک و شناخت می‌باشد. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص

یکی از روش‌های تربیتی، روش اعطای بینش و آگاهی است، در این شیوه آمر و ناهی با ارائه دیدگاه و بینش صحیح در شخص مقابل و عملکرد وی اثر می‌گذارد تا او را به انجام کارهای شایسته و بایسته وادار و از ارتکاب رفتار ناشایست پرهیز دهد. این روش یکی از مبانی مؤثر در نوع رفتارها اعمال است زیرا افراد به حکم ادراک و فهمی که از امور و رویدادها دارند به آن واکنش نشان می‌دهند و منشأ رفتارهای انسان چه در ترک و یا انجام اعتقاد وی به مثر ثمر و مفید بودن رفتار است. اگر در ابتدا چنین اعتقادی در فرد محقق نگردد هیچ‌گاه عزم وی به مرحله جزم نخواهد رسید، اما اگر شناخت و بینش انسان نسبت به مثبت بودن رفتاری پا بگیرد مادام که بینش زوال نیافته است همواره آن رفتار از او صادر خواهد شد چه آن رفتار انجام فعل باشد و یا ترک آن، به جز موارد غفلت و یا بی‌توجهی که ممکن است برخلاف بینش عمل نماید؛ بنابراین، روش یاد شده بسیار حائز اهمیت است.

بسیارند کسانی که از آثار و خطرات خلاف خودآگاهی لازم را ندارند و همین که مثلاً با خطرات سیگار آشنا شدند، آن را رها می‌کنند. اگر مردم دلیل پیدایش بعضی از امراض و یا ناهنجاری‌ها و یا کودکان ناقص‌الخلقه را بدانند و از ابتدا مراقبت‌های لازم را داشته باشند، گرفتار آفات، حوادث و ناگواری‌ها نمی‌شوند.

امام رضا (ع) فرمود: «مسئله مهم مردم، آگاهی است. اگر مردم زیبایی سخنان ما اهل بیت پیامبر (ص) را بدانند، به‌طور قطع طرفدارمان می‌شوند». (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۶۵)

لذا در حدیث دیگر می‌خوانیم: «خداوند از علماء تعهد گرفته است که جاهلان را آموزش دهند». (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۷۸)

برای یافتن معرفت لازم در امور اخلاقی باید به طرف بینش داد تا بتواند خود خوب و بد را از هم تشخیص دهد و پس از مرحله تمییز و تشخیص حتی علت و چرایی آن را نیز در یابد. شخص اندیشمند دیگر چندان نیازی به کنترل خارجی ندارد زیرا بصیرتش او را به مرحله خودکنترلی رسانده است.

ایجاد بصیرت، فرد را به عواقب اعمالش آگاه گردانده در نتیجه انگیزه فرد، در عمل قوی می‌گردد؛ و بدون بصیرت انسان به‌جایی نمی‌رسد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید:



«لیس الأعمی من یعمی بصره، انما الأعمی من تعمی بصیرته (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۸۶)» کور آن نیست که چشمش نابینا باشد بلکه کور (واقعی) آن کسی است که دیده بصیرتش کور باشد.

۴-۲. افشاگری

افشاء در لغت به معنای آشکار کردن، پراکنده کردن و فاش نمودن می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۱۱۲) سرچشمه بسیاری از منکرات و انحرافات، چهره‌های مرموزی هستند که با خودفروشی به ابرقدرت‌ها مردم را اغفال، حقایق را واژگون و برای انجام معروف مانع تراشی می‌کنند. ابزار کار این افراد دین تراشی، توجیه کارهای خلاف، ایجاد تفرقه، تضعیف مردم، شایعه‌پراکنی، توهین به نظام اسلامی، سوءبرداشت از مقوله آزادی و ... می‌باشد؛ و با این کار مانع از قیام به معروف و جلوگیری از منکرات می‌شوند.

کسانی که بناء دارند امر به معروف و نهی از منکر کنند، اول باید با افشاگری این چهره‌های مرموز آنها را از سر راه خود بردارند و بعد برای اقامه این فریضه اقدام نمایند.

هم چنان که امام خمینی (ره) در بیانات مختلف به این نکته اشاره داشتند، یا خودشان این چهره‌های مرموز را فاش و افشا می‌کردند یا به قشر خاص مردم برای افشا اینها توصیه می‌کردند. به طور مثال توصیه‌هایشان برای افشای جنایات رژیم با قلم و بیان. (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۸۹-۹۰) افشای صریح رژیم شاه (همان، ج ۴، ص ۴۷)، افشای اهداف کمونیست‌ها برای مردم (همان، ج ۵، ص ۸۸)، افشای مخالفان اجرای احکام اسلام (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۱۳۷)، افشای جرایم گروهک‌ها (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۱۱۵)، افشای حرکت‌های تفرقه‌افکنانه (همان، ج ۱۹، ص ۱۰۲) را می‌توان ذکر کرد.

در تاریخ هم می‌بینیم که برای جلوگیری از منکر، از این شیوه (افشاگری) استفاده شده است: شخصی از همسایه خود آزار می‌دید. نزد پیامبر (ص) آمد و شکایت کرد. حضرت او را امر به خیر فرمود. شخص مدتی صبر کرد؛ اما همسایه دست از آزار برنداشت. باز شکایت کرد.

حضرت فرمود: «باز هم صبر کن»

مدت‌ها با صبر گذشت همسایه با پند و موعظه دست از آزار برنداشت. سرانجام در آخرین مرحله پیامبر اکرم (ص) به او فرمود:

روز جمعه اثاثیه خود را در کنار مسیر مردم قرار بده و هر کس از تو پرسید: «چرا کنار راه نشسته‌ای؟» بگو: «همسایه‌ام مرا خسته کرد.»

او این شیوه را عملی کرد و همسایه مردم آزار که آبروی خود را در جامعه در معرض خطر دید، دست از کارش برداشت و تقاضا کرد که شخص به خانه برگردد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶۶۸)

۵-۲. تبیین آثار

یکی دیگر از شیوه‌های اخلاقی و تربیتی که در تأثیر امر به معروف و نهی از منکر نقش بسزایی دارد تبیین آثار و نتایج معروف‌ها و منکرات است که به واسطه تبیین آنها قبل از امر به معروف و نهی از منکر کردن، اثر خوبی در پذیرش امر به معروف و نهی از منکر به جای می‌گذارد. چون وقتی مخاطبین ما بفهمند که فلان معروف مثلاً صلح‌رحم این قدر آثار مثبت (تسریع پاداش الهی، آبادانی جوامع بشری، تداوم مودت و ...) دنیوی و معنوی را دارد، یقیناً امر به آن را مورد پذیرش قرار خواهند داد و همین‌طور اگر مخاطبین بفهمند که فلان منکر مثلاً ارتباط جنسی نامشروع این قدر بدبختی‌ها و آثار مخرب (بی‌هویتی نسل‌ها، انهدام نظام خانواده، تهدید فزاینده ایدز، آنارشیسم جنسی و رشد احساس گناه) به دنبال دارد حتماً نهی نسبت به آن را قبول خواهند کرد و خود را از این منکر پرهیز خواهند داد.

اصولاً اگر ما به آیات و روایات مراجعه کنیم خواهیم دید که هر یک از معروف و منکر آثاری در دنیا و نتایجی در آخرت دارد که به واسطه تبیین آنها تأثیر بیشتری در مخاطبین ایجاد می‌شود که این خود مقدمه‌ای برای پذیرش امر و نهی بعدی می‌شود. با تجربه ثابت شده است که این روش و شیوه در تأثیر امر به معروف و نهی از منکر نقش اساسی دارد لذا به آمرین به معروف و ناهین از منکر توصیه می‌شود در صورت امکان از این روش استفاده نمایند. به طور مثال: آثار تهمت و افترا؛ هدف غضب الهی، گناه نابخشودنی، گناه رو به تراپید و در مورد اتهام بودن است.

آثار و پدیده‌های خشم: آفت ایمان، گسستن پیوندها، کلید بدی‌ها است.

آثار سوء خلق: تحقیر شخصیت، فساد عمل، گناه نابخشودنی، بدبختی و ... می‌باشد.

آثار کینه‌توزی و انتقام‌جویی: زمینه ارتکاب گناه، تاریکی قلب، نابودی اعمال و رسوایی است.

و آثار احترام به والدین:

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خدا، نماز به وقت است، آنگاه نیکی به پدر و مادر، سپس جهاد در راه خدا». (کرمی فریدونی، ۱۳۸۴، ص ۳۸)

۲- ایشان همچنین فرمودند:

«کسی که صبح کند در حالی که والدینش از او راضی باشد، دو در برایش به سوی بهشت باز خواهد شد». (همان، ص ۵۳۲، حدیث ۲۹۵۶)

۳- و نیز فرمودند:

«کسی که مطیع پدر و مادر و پروردگار خویش باشد، در اعلیٰ علیین جای دارد». (همان، ص ۳۸۲، حدیث ۲۰۰۴)

۶-۲. موعظه حسنه

موعظه از دیرباز در جوامع بشری، از جایگاه والایی برخوردار بوده و جوامع از این طریق، حاصل تجربیات و تأملات خود را به نسل‌های بعد منتقل می‌کردند تا آنان بتوانند در مسیر پر پیچ و خم زندگی، با بینش و بصیرت بیشتری حرکت کنند و از فروفتادن در پرتگاه‌ها و خطرهای ایمن گردند، پندنامه‌های فراوانی که به صورت نثر یا شعر از گذشتگان به ما رسیده است، گواه این مدعاست.

موعظه در متون اسلامی عبارت است از ارشاد و راهنمایی به سوی اطاعت خدا و بازداشتن از معصیت؛ خواه از راه بیم دادن و امیدوار کردن باشد، یا از راه آگاهی دادن یا یادآوری کردن و ... موعظه کلامی است که باعث از بین بردن قساوت و ایجاد رقت در دل می‌گردد.

و موعظه به بیانی که نفس شنونده را نرم و قلبش را به رقت آورد تعریف شده است. (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۱۲۳)

مطالعه سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد موعظه به عنوان یک روش تربیتی، از کارآمدی لازم برخوردار است.

از امام کاظم (ع) نقل شده که فرمود:

«یا هشام! ثم وعظ اهل العقل و رغبتهم فی الآخرة ... ثم خوف الذین لا یعقلون عذابه (ابن شعبه، ۱۴۱۶، ص ۲۸۷)» ای هشام کسانی که دارای خرد هستند موعظه کن و آنان را ترغیب به آخرت بنما ... آنگاه کسانی را که اهل تعقل نیستند بترسان.

در قرآن مجید نیز از پیامبر گرامی (ص) خواسته شده که از این روش استفاده نمایند:
«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ (نحل / ۱۲۵)» مردم را با موعظه حسنه به راه خدایت دعوت کن.

به هر حال، منشأ تأثیرگذاری این شیوه را باید در فطرت و ضمیر انسان جستجو کرد. انسان اگرچه فطرتی خدا آشنا و آگاه به خوب و بد دارد، ولی اشتغالات فراوان روزمره و توجه به امور و شئونات گوناگون زندگی غالباً سبب می شود که از این آگاهی و شناخت، غفلت نماید و غیر خدا در دلش منزل گزیند. اینجاست که باید به طریقی او را متذکر ساخت و موعظه چنین خاصیتی دارد. آنچه از روایات استفاده می شود این است که موعظه غفلت را از بین می برد. (آمدی، ۱۴۱۳، حدیث ۴۱۹۱) و آدمی را بیدار می سازد (همان، حدیث ۴۵۵۸) و ضمیر و باطن انسان را از آلودگی می زداید و جلا می دهد. (همان، حدیث ۶۵۰۹)

محتوای موعظه، یعنی وعظ باید حقایق و واقعیات و اموری باشد که فطرت انسان به سادگی آن را درک کند، انسان را به صلاح بکشاند. بعلاوه فصاحت و بلاغت در وعظ، لحن کلام و سخن و نیز کوتاه و موجز بودن آن در تأثیرگذاری بسیار مؤثر است.

تذکر این نکته لازم و ضروری است که اگر موعظه در زمان های مناسب و همراه با تکنیک های خاصی اعمال شود، تأثیر بیشتری خواهد داشت. مثلاً هنگام تجمع مردمی که در تشیع پیکر فردی که زندگی دنیوی را بدرود گفته است، شرکت جستند و سر مزار او حاضرند، بهتر می توان آنان را به آخرت و قیامت و پیامد اعمال خویش و فانی بودن دنیا توجه داد. به سبب اهمیت به یکی از نمونه های این روش از نهج البلاغه بسنده می کنیم:

حضرت هنگام بازگشت از صفین، با لشکریان خود به قبرستانی که پشت دروازه کوفه بود رسید، موقعیت را آماده دید و با خلق صحنه ای شروع به سخنرانی نمود. در ابتدا رو به طرف قبرها نمود و گورها را مخاطب ساخت و فرمود:

«ای ساکنان خانه های وحشتناک! و مکانه ای خالی! و قبرهای تاریک و ظلمانی! ای خاک نشینان! ای غریبان! ای تنهایان! ای وحشت زدگان! شما در این راه پیش قدم شدید و ما نیز به شما خواهیم پیوست (اگر از اخبار دنیا بپرسید به شما می گوئیم) اما خانه هایتان را دیگران ساکن شدند، همسرانتان به ازدواج افراد دیگر در آمدند و اموالتان تقسیم شد. این خبری است که ما داریم، ولی شما چه خبر دارید؟ سپس رو به اصحاب کرد و فرمود: آگاه باشید، اگر به آنها اجازه سخن



می دادند، به شما خیر می دادند که بهترین زاد و توشه آخرت، پرهیزکاری است». (دشتی، ۱۳۹۱، کلمات قصار ۱۳۰)

۲-۷. مخاطب را به فکر و تعقل واداشتن

یکی از شیوه‌های مناسب در امر به معروف و نهی از منکر، مخاطب را به تفکر و تعقل واداشتن است. خداوند متعال می‌فرماید که حضرت هود (ع) به قوم خود فرمود: «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ (هود / ۵۱)» ای قوم من! از شما مزد رسالت نمی‌خواهم؛ اجر من جز بر عهده خدایی که مرا آفریده است، نیست؛ آیا (فکر و عقل خود را به کار نمی‌بندید و) نمی‌فهمید؟ و نیز خداوند متعال درباره قصه حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید:

«قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْئَةِ يَا إِبْرَاهِيمُ - قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْظِقُونَ - فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمْ الظَّالِمُونَ (انبیاء / ۶۲-۶۴)» گفتند: ای ابراهیم! تو باخدایان ما چنین کرده‌ای؟ گفت: بلکه بزرگ‌ترین آنها چنین کرده است، اگر سخن می‌گویند از آنها سؤال کنید. آنگاه با خود فکر کردند و گفتند: البته شما ستمکارید.

نام یکی از یاران باوفای پیامبر اکرم (ص) که در احد به درجه شهادت رسید، عمرو بن جموح بود. او در ابتدا بت پرست بود و از چوب، بتی تراشیده بود و آن را در منزل نگهداری و پرستش می‌کرد. چند نفر از جوانان مؤمن با همکاری فرزندش بارها بت او را آلوده کردند. ولی او بت خود را تمیز و همچنان عبادت می‌کرد.

روزی خسته شد و به بت گفت: چرا از خودت دفاع نمی‌کنی؟ پس شمشیری به او آویخت و گفت: این دفعه از خودت دفاع کن!

بعد که به سراغ بت آمد، دید شمشیر نیست و او را به لاشه سگی مرده بسته‌اند و در زباله‌های انداخته‌اند. با دیدن این صحنه، وجدانش پیدا شد و اشعاری در وصف بی‌هنری بت خواند و ایمان آورد. (ابن اثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹۴)

۲-۸. ترغیب و ترهیب

یکی از شیوه‌های مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر ترغیب و ترهیب است. «ترغیب» از «رُغِبَ» به معنای میل و اشتیاق و «ترهیب» از «رَهِبَ» یا «رُهِبَ» به معنای خوف و ترس است؛ بنابراین «ترغیب» عبارت است از ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی در یک یا چند فرد؛ و «ترهیب» عبارت است از ایجاد خوف و ترس نسبت به چیزی در یک یا چند فرد. (انیس، ۱۳۷۷، ذیل ماده رغب)

در متون دینی این دو واژه در همین به کار رفته‌اند؛ البته با اندکی تفاوت (طریحی، ۱۹۸۹، ذیل ماده رهب و رغب) و آن اینکه ترغیب در متون دینی عبارت است از ایجاد میل و رغبت در فرد، برای انجام اوامر و دستورهای خداوند متعال و ترهیب عبارت است از ایجاد خوف و ترس در فرد، نسبت به ارتکاب اعمال حرام و ناشایست؛ اعم از حرام و مکروه.

راه‌های ترغیب و ترهیب عبارت است از: الف - انذار و تبشیر ب- وعده و وعید

۲-۸-۱. انذار و تبشیر

انذار عبارت است از ابلاغ پیام، همراه با ترساندن (همان، ذیل ماده نذر) و تبشیر عبارت از ارائه خبر خوشحال‌کننده به قصد خوشحال کردن، مؤده دادن است.

در سیره معصومان علیهم‌السلام برای ترغیب، از روش تبشیر و برای ترهیب از روش انذار استفاده شده است.

پیامبر (ص) در جواب سؤال فردی که از او اوصیای پیامبر (ص) را می‌پرسید، ائمه علیهم‌السلام را معرفی کرد و فرمود:

«طوبی لمن احبهم و طوبی لمن تمسک بهم و الویل لمبغضینهم» (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۳۷، ص ۲۸۵) خوشا به حال آنان که ایشان - ائمه - را دوست دارند و خوشا به حال آنان که به ایشان تمسک کنند؛ و وای بر دشمنان آنها.

در این روایت هم تبشیر و هم انذار است.

در مورد ترهیب از ترک نماز یا رعایت نکردن شرایط آن نیز، به عنوان نمونه، می‌توان به روایت زیر اشاره کرد:

«من ترک صلاته متعمداً، فقد هدم دینه؛ و من ترک أوقاتها یدخل الویل و الویل واد فی جهنم» (ری شهری، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۰۲)

کسی که به عمد نماز نخواند، بنای دینش را ویران کرده و کسی که وقت نماز را رعایت نکند، در ویل که بیابانی در جهنم است وارد می‌شود.

۲-۸-۲. وعده و وعید

وعده و وعید، آن است که فردی را از راه تهدید یا تطمیع، به انجام عملی ترغیب یا از انجام آن منصرف کنیم. این شیوه در قرآن و سیره معصومان علیهم السلام به کار رفته است:

خداوند می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده / ۹) خداوند آنان را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که برای آنان بخشش و پاداش عظیمی است.

و نیز می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ» (توبه / ۶۸) خداوند به زنان و مردان منافق و کافران، آتش جهنم را وعده داده است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«اگر شما در راه خدا باشید و به وظیفه الهی خود عمل کنید در دنیا هم به کامیابی نرسید، من در قیامت ضامن رستگاری شما هستم.» (دشتی، ۱۳۹۱، خطبه ۴)

۲-۹. تحریک عواطف

برای امر به معروف و نهی از منکر، استفاده از کلمات عاطفی یکی از اهرم‌های بسیار قوی است. خداوند متعال در قرآن کریم نقل می‌کند که حضرت نوح (ع) به فرزندش هنگام رفتن بر کوه به جهت نجات از غرق شدن فرمود:

«یا بُنَیَّ اِرْكَبْ مَعَنَا» (هود / ۴۲) ای پسر! تو هم همراه ما (بدین کشتی) در آیی.

نمونه‌ای برخورد حضرت موسی (ع) در قرآن چنین آمده است:

«حَقِيقٌ عَلٰی اَنْ لَا اَقُوْلَ عَلٰی اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَارْسِلْ مَعِيَ بَنِي اِسْرَائِيْلَ» (اعراف / ۱۰۵)؛ شایسته است که بر خدا جز (سخن) حق بگویم، من در حقیقت دلیلی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام، پس فرزندان اسرائیل را همراه من بفرست. آن حضرت در این آیه نمی‌فرماید:

«قد جئتكم بيّنة من الله» یا: «من ربّي» بلکه از عبارت «من ربکم» استفاده می‌کند. خداوند متعال از این شیوه برای تربیت انسان‌ها استفاده می‌کند به‌طور مثال برای دور نمودن مردم از غیبت کردن، آن را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه می‌کند که با توجه به نفرت انسان از مرده‌خواری عواطف و احساسات را برمی‌انگیزد؛ و می‌فرماید:

«أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (حجرات / ۱۲)؛ آیا کسی دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟

در روایات هم استفاده از این شیوه، مشاهده می‌شود: شخصی به مادرش تندی کرد. روز بعد، امام صادق (ع) او را دید و امام (ع) به او فرمود: چرا با مادرت تندی کردی؟

«ألا علمت ان بطنها منزلک و حجرها مهدک و ثديها غذائک فلا تغلظ لها». (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۷۱، ص ۷۶)

مگر نمی‌دانی که شکم مادرت منزل تو بود؟ دامان مادرت گهواره تو بود؟ پستان مادرت غذای تو بود؟ سپس فرمود: پس با او خشن نباش.

پیامبر اسلام (ص) با بیعت، ایجاد اخوت و برادری، نقل داستان وفاداری پیروان سایر انبیاء، مشورت با مردم، عیادت بیماران غیرمسلمان، محبت کردن به افرادی که به او دشنام می‌دادند، آزاد کردن اهل مکه در روز فتح مکه، اعلام عفو عمومی و سعه‌صدر، دعا به کسانی که آنان را نمی‌دید، درواقع از تمام عواطف مردم برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌فرمود.

نتیجه:

یکی از موضوعاتی که به آن تاکید فراوان شده، انجام دادن هر کاری از راه خودش می‌باشد و یکی از این کارها امر به معروف و نهی از منکر است که باید از راه (شیوه) خودش انجام شود.

شیوه به معنای راه، روش، اسلوب و طریق است و امر به معروف و نهی از منکر، شیوه‌های متعددی دارد مانند شیوه‌های گفتاری، رفتاری، نوشتاری و هنری که در موارد مختلف، انتخاب

بهترین شیوه ها و استفاده صحیح از آن ، موجب حاکمیت و پاسداری ارزشهای اسلامی و تاثیر گذاری بیشتر امر به معروف و نهی از منکر می شود.

شیوه های گفتاری، شیوه های که در آنها امر و ناهی مطالب مورد نظر را بیشتر از راه سخن منتقل می کنند. مانند: تلقین ، اعطای بینش ، افشاگری ، تبیین آثار ، موعظه حسنه ، مخاطب را به فکر و تعقل واداشتن ، شیوه مستقیم و غیر مستقیم ، تغافل ، ترغیب و ترهیب و تحریک عواطف.

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۵. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۶. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱ ه.ش.
۷. انیس ابراهیم و ابراهیم مصطفی، المعجم الوسیط، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۷، ص ۱۳۷۷ ش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۹ ق.
۹. خمینی (امام)، روح الله، تحریر الوسیله، قم: دار العلم، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. خمینی، (امام)، روح الله، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی)، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۱۱. خمینی، روح الله، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، چاپ ۲۸، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، امیرالمؤمنین (ع)، چاپ ۳، ۱۳۹۱ ش.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن بن محمد بن فضل، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۹۲ ق.
۱۵. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمة، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۱۶. سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه ها و روش ها، تهران، دوران، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، راه اصلاح، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ ق.



۱۹. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۳ ق.
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت: مکتبه الهلال، ۱۹۸۹ م.
۲۱. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم: دار الاسوه، ۱۴۲۲ ق.
۲۲. کرمی فریدنی، علی، نهج الفصاحة، قم: انتشارات حلم، ۱۳۸۴ ش.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی و الفروع من الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۲۴. متقی هندی، حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۲۷. محمدی، حمید، آشنایی با علوم بلاغی: معانی، بیان و بدیع، قم، نشر هاجر، چاپ ششم، ۱۳۹۲ ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، صدرا، چاپ ۵۲، ۱۳۹۹ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، عنصر امریه معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی، تهران: حزب جمهوری اسلامی (مرکز پخش)، ۱۳۶۱ ش.
۳۰. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت، بی تا.